

دوره جدید / شماره دوم / آبان ماه ۹۹

صاحب امتیاز:

جامعه اسلامی دانشجویان دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مدیر مسئول و سردبیر:

امیر مهبد اسفندی

@Lp\_jad\_ut



آرفا سزما



جامعه اسلامی دانشکده حقوق  
و علوم سیاسی دانشگاه تهران

صَبِي مَافِمْدُ   
خدا بر داوود  
آهن را نرم کرد  
و بر محمد   
دل هارا 

ما انقلاب کردیم تا **واقعیت‌ها** را تغییر دهیم؛

نه آن که آن‌ها را بپذیریم.

انقلاب ما، **انقلاب آرمان‌هاست**

نه انقلاب **واقعیت‌ها**.





- ۱ با قانون، علیه قانون
- ۲ بهشت و دوزخ با توست، در پوست
- ۳ چندهمسری رسول خدا؛ از هياهو تا واقعیت!
- ۵ مردی برای تمام فصول
- ۶ ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد



دوره جدید / شماره دوم / ابان ماه ۹۹

### صاحب امتیاز:

جامعه اسلامی دانشجویان دانشکده  
حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

### مدیر مسئول و سردبیر:

امیر مهبد اسفندی

### هیئت تحریریه:

محمدامین ساغندی

امیرحسین قدیری

متین داستانی

محمدرضا زراعتیان

علیرضا شفیعی

### طراح:

متین داستانی



@Lp\_jad\_ut

## ریاچی

بدان پاسخ مهر دشنام نیست...

« سخن سردبیر »

مدتی است که توهین و جسارت به اسوه عصمت و طهارت، حضرت رسول اکرم(ص) در پوشش آزادی بیان، شرافت و انسانیت را لکه‌دار کرده‌است. از نقض صریح ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی که بگذریم، سخن بی‌مقدار رئیس جمهور فرانسه درباره جواز عمل گستاخانه آن نشریه فرانسوی ذیل عنوان آزادی بیان در تقابلی آشکار با قانون گیسوت (Gayssot Act) مبنی بر ممنوعیت انکار هولوکاست در اروپا قرار می‌گیرد؛ دوگانه‌ای که روزگاری نویسنده و فیلسوف فرانسوی، روزه گاردی را به دلیل نقد و رد ادعاهای صهیونیسم در خصوص هولوکاست پای میز محاکمه کشاند.

آقای مکرون! حقیقتاً عجیب است که ما چشم به خنجر دیگری داشتیم که ناگاه تو آمدی و آب روابط مسالمت‌آمیز کشورهای مسلمان را با فرانسه گل‌آلود کردی؛ آبی که قرن‌ها در عین کدورت‌های اندکی که داشت، از سر این که دائماً جاری بود، در نهایت نسبتاً صاف و زلال به دست می‌آمد. این ایام نیز خواهد گذشت اما بدان که فرانسه با حدود ۶ میلیون مسلمان قطری از اقطار عالم اسلام است و این پیوند نه پیوندی است که با چند روز حکمرانی تو و امثال تو بر تیول آن از هم بگسلد. و دیگر آن که خوب است گه‌گاهی هم اخبار رسانه‌ها مبنی بر روند توسعه پیروان دین اسلام در سراسر جهان را دنبال کنی تا مبادا پنداری که با این کارهای سخیف گردی بر چهره نورانی این دین هدی نشیند.

«يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (صف، ۸)»



## با قانون، علیه قانون

متین داستانی

### نگاهی تحلیلی به حق برگزاری اعتراضات مسالمت آمیز به بهانه وقایع آبان ۹۸

اطلاع رسانی را کافی ندانسته و تأکید دارد که باید حتماً مجوز مربوطه اخذ بشود و شرایطی را هم بر آن بار کرده است؛ از جمله این که باید در قالب حزب و گروه خاصی اقدام بشود، زمان و مکان آن کاملاً مشخص باشد، سخنرانان احتمالی معرفی شوند و همچنین صدور چند مجوز برای یک شهر به طور همزمان امکان پذیر نیست. اینگونه مقررات به تعبیری باعث تضییق اصل ۲۷ قانون اساسی می‌شوند و همانطور که تا به حال دیده نشده، کارکرد عملی نخواهد داشت. برای ذکر یک نمونه دیگر شایسته است اشاره‌ای به مواد ۶۱۰ و ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات، داشته باشیم. ماده ۶۱۸ عنوان می‌دارد: «هرکس با هیاهو و جنجال و یا حرکات غیرمتعارف یا تعرض به افراد موجب اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار باز دارد، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود.» با وجود این ماده قانون، بسیاری از مصادیق گردهمایی جرم تلقی می‌شوند. فرض کنید ۱۰۰ نفر معترض بر امری، وارد خیابان بشوند و کوچه‌ای را ببندند و مانع تردد بشوند، در صورتی که نه حمل سلاح صورت گرفته و نه به مبانی اسلام خللی وارد شده است. با این حال مجرم شناخته می‌شوند و اگر این موضوع با مفاد ماده ۶۱۰ که اشاره به اجتماع و تبانی دو نفر یا بیشتر دارد، جمع بشود و بر خلاف امنیت ملی تشخیص داده شود، حتی می‌تواند مجازات‌های بسیار سنگینی را در پی داشته باشد و همانطور که بیان شد، این امر به نوعی سبب تضییق آزادی‌های مردم می‌باشد. ان شاء الله که دیگر هرگز شاهد حوادثی چون آبان ماه سال ۹۸ نباشیم و با تدبیر راه حل‌ها و مسیرهای قانونی مناسب، فرهنگ اعتراضات به شکل مسالمت آمیز در کشورمان جا بیفتد.



یک سالی می‌شود که از اعلام سهمیه‌بندی مجدد بنزین و افزایش ۲۰۰ درصدی قیمت آن می‌گذرد؛ خبری که خیلی زود با واکنش‌های اعتراضی مردم رو به رو شد، روز به روز بر شدت آن افزوده گشت، در شهرهای مختلف کشور گسترش یافت و در بعضی نقاط به خشونت کشیده شد. خسارات بی‌شمار به اموال عمومی و خصوصی و جان باختن حدود ۲۰۰ نفر از هموطنان، کشور را به عزا نشاند. به این بهانه قصد داریم به دور از هرگونه حواشی، نحوه استیفای حق تظاهرات و ضمانت اجرایی که در صورت عدم رعایت ضوابط آن بر افراد تحمیل می‌شود را با تکیه بر اصل ۲۷ قانون اساسی، به طور خلاصه بررسی کنیم. در اصل بیست و هفتم قانون اساسی می‌خوانیم: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل بر مبانی اسلام نباشد مجاز است.» پرواضح است که این اصل به صراحت حق اعتراضات مسالمت آمیز را پذیرفته، تنها دو قید را برای محدود کردن آن به کار برده است: ۱. عدم حمل سلاح ۲. عدم اخلال به مبانی اسلام. واژه سلاح و جمع آن، یعنی اسلحه، در قانون ما تعریف شده است و شامل هر دو نوع سلاح گرم و سرد می‌شود. همانطور که خواندیم در اصل ۲۷ تنها به حمل سلاح اشاره کرده است، نه به استعمال آن و نه تظاهر به آن؛ یعنی اگر در یک اجتماعی حتی یک نفر، بدون هماهنگی دیگران چاقویی در جیب داشته باشد - که نیازی به مجوز هم ندارد - و اصلاً از آن استفاده‌ای هم نکند، این اعتراضات بر خلاف قانون اساسی و محکوم شناخته می‌شود و ممکن است کیفرها و برخوردهای تند متعددی بر افراد شرکت کننده تحمیل شود! مورد دیگر بحث عدم اخلال به مبانی اسلام است. در حوزه حقوق کیفری، زمانی که یک قانون مبهم یا مجمل باشد، نهایتاً باید به گونه‌ای تفسیر شود که به نفع متهم منجر بشود. در این‌جا نیز بر اساس این اصل، بهتر است که ما مبانی اسلام را به معنای اخص کلمه در نظر بگیریم؛ یعنی اصول و فروع مورد اتفاق یا مواردی که در زمره جرایم حدی مانند سب نبی قرار می‌گیرند. صرف این که در اعتراض به یک امر مذهبی تجمعی بشود، نباید مشمول قید مندرج در اصل ۲۷ قلمداد بشود. با این وجود وقتی ما سایر ارکان نظام حقوقی‌مان را رصد می‌کنیم، می‌بینیم که قانونگذار از این قیود فراتر رفته است. بدیهی است که وقتی اجتماع و اعتراضاتی می‌خواهد صورت بگیرد، باید اطلاع رسانی شود تا برای مثال نیروی انتظامی بتواند راهکاری برای آن اتخاذ نماید تا اخلالی برای افراد جامعه و رفت و آمد عمومی ایجاد نشود؛ اما ما با مطالعه قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی متوجه می‌شویم که مقنن صرف



## بهشت و دوزخ با توست، در پوست

چرایی و چگونگی کیفر اخروی

امیر حسین قدیری

جستاری در  
فلسفه دین

به اندازه سهولت تلقی قوانین اجتماعی آسان نموده و قرآن کریم در اشاره به این مطلب فرموده: و لولا فضل الله علیکم و رحمته ما زکی منکم من احد ابدا (نور، ۲۱)؛ و اگر فضل و رحمت خدا نبود احدی از شما به هیچ وجه و وهیچ وقت تزکیه نمی شد. اما علامه این شباهت را ظاهری دانسته، معتقد است خدا، نفوس مستعد برای درک حقائق را مهمل نگذاشته، در خلال آیات خود به این مطلب اشاره کرده است که در ماورای آنچه ظواهر کتاب و سنت مشتمل بر آن است، امری مهم تر و اسرارآمیز تر و گران بهاتر وجود دارد؛ از آن جمله می فرماید: و ما هذه الحیاه الدنیا الا لهو و لعب و ان الدار الاخره لهی الحیوان (عنکبوت، ۶۴). با این مقدمه، علامه ماورای ظاهر و حقیقت رابطه عمل و جزای اخروی را رابطه ای تکوینی می داند نه قراردادی و اعتباری؛ خداوند در آیات دیگری بیان می کند که آن جزایی که مردم در برابر عمل خود به زودی مواجه با آن می شوند، در حقیقت همان عمل ایشان است. چنان نیست که خدای تعالی مانند اجتماعات بشری عملی را در نظر گرفته و جزای معینی را در ردیف آن قرار داده و به سبب جعل و قرارداد این راه اثر آن کرده باشد. در نتیجه؛ مجازات های جهان دیگر، رابطه تکوینی قوی تری با گناهان دارد. رابطه عمل و جزا در آخرت نه مانند مجازات های قراردادی این جهانی و نه از نوع رابطه علی و معلولی است، بلکه از آن هم یک درجه بالاتر است. در اینجا رابطه عینیت و اتحاد حکم فرما است؛ یعنی آنچه در آخرت به عنوان پاداش یا کیفر به نیکوکاران و بدکاران داده می شود، تجسم خود عمل آنها است. علامه معتقد است که قیاس افعال الهی با افعال انسانی نادرست است. فلذا بیان می دارد: بین افعال ما و افعال خداوند متعال تفاوتی اساسی وجود دارد و آن این است که افعال ما تابع قواعدی کلی و ضوابطی عمومی است که از وجودات خارجی انتزاع شده و این قوانین حاکم و اراده و افعال ما محکوم این قوانین کلی است. برای مثال وقتی به علت گرسنگی غذا و به علت تشنگی آب می خوریم، منظورمان از خوردن سیر شدن و از نوشیدن سیراب شدن است. چون این قانون کلی در خارج وجود دارد که غذا خوردن انسان را سیر می کند و آب نوشیدن سیرابی در پی دارد. در مقابل، افعال خداوند این گونه نبوده، بلکه فعل او همان وجود عینی خارجی است، و اصول و ضوابط کلی عقلی از فعل او انتزاع می شود و در مرتبه بعد از فعل او قرار دارد. بعد از آنکه خدا عالمی آفرید و نظامی در آن جاری ساخت، ما از آن نظام قوانین کلی اتخاذ می کنیم. پس قوانین ما بعد از فعل خدا و محکوم به حکم خدا است؛ نه اینکه آن ضوابط و قوانین بر فعل خدا و جلوتر از آن باشد. به همین جهت است که فرموده: لایسئل عما یفعل و هم یسئلون (انبیا، ۲۳). و نیز فرموده: ان الله یفعل ما یشاء (حج، ۱۸). و نیز فرموده: الحق من ربک (بقره، ۱۴۷).

سیاری پنداشته اند صفت رحمت الهی ایجاب می کند که خداوند از هرگونه غضب و عذابی نسبت به بندگان مبرا باشد و از این رو منکر وجود جهنم و عذاب اخروی شده اند و پیوسته به این شیوه احتجاج کرده اند که چگونه ممکن است خدای مهربان چنین عذاب های دهشتناکی را برای بندگان در نظر گرفته باشد؟! تا جایی که برخی همانند موریس مترلینگ، نسبت دادن جهنم و عذاب های اخروی به خداوند را اهانت به مقام پروردگار دانسته اند: «به نظر من، اهانتی که تاکنون به مقام خدا شده است، این است که گفته می شود خدا جهنم را خلق کرده است. بشر ابتدایی که تصور اولیه جهنم متعلق به او است، تمام رذائل و پستی ها، حقد و کینه و وحشی گری ها را ناشی از جهنم می دانست. بزرگترین و بهترین مذاهب عالم نیز چون نتوانستند از چنگ تصور جهنم خلاص شوند، کورکورانه به وجود آن اعتقاد حاصل کردند.» قرآن کریم به عنوان وحی خداوند به پیامبر (ص) و اولین منبع معتبر اسلامی، در جای جای خود به صورت صریح و کاملاً روشن از رابطه میان عمل دنیوی و کیفر اخروی و حتی شکل عذاب و مکانی به نام دوزخ یا جهنم سخن به میان آورده است. آیات قرآن درباره مسئله قیامت و جزای اخروی بر دو وجه است: یک دسته آیاتی است که ثواب و عقاب را جزای آنچه در دنیا انجام گرفته می شمارند و خداوند به صورت صریح، جزا (ابراهیم، ۵۱) و انتقام (روم، ۴۷) و کیفر دادن (مائده، ۱۱۸) و آماده ساختن جهنم (فتح، ۶) را به ذات خود استناد داده است؛ و دسته دیگری نیز آیاتی را شامل می شود که ظهور در تجسم اعمال داشته یا دلالت بر حضور اعمال دنیوی در آخرت دارند (آل عمران، ۲۸؛ زلزال، ۷؛ کهف، ۴۹؛ نبا، ۴۰) و یا دال بر مجازات به وسیله اعمال هستند. قدر متیقن آیات عذاب در قرآن و چگونگی این کیفرها دو وجه است: یک. وجه مجازات به وسیله ثواب و عقاب است؛ آنچه انسان از خیر یا شر مانند بهشت و آتش با آن روبه رو خواهد شد تنها جزای آن عملی است که در دنیا انجام داده است. دو. وجه تجسم اعمال است؛ اعمال به وسیله خودشان یا به واسطه لوازم و تأثیرشان، امور مطلوب یا غیرمطلوب، یعنی خیر و شر را مهیا می کنند که انسان روز قیامت از آنها مطلع می شود. علامه طباطبایی با اشاره به شباهت ظاهری نظام و قوانین الهی با قوانین اجتماعی بشر، علت این شباهت را سهولت در تلقی دین و ناشی از فضل خداوند برمی شمارد: خدای سبحان هم، میان ما و خودش همین مطلبی را که ما بین خود اجرا می کنیم، معمول داشته؛ یعنی سعادت را که به وسیله دین خود، ما را بدان هدایت نموده در قالب همین سنن اجتماعی ریخته، امر و نهی کرده، ترغیب و تحذیر نموده، بشارت داده و انذار کرده، به ثوابها وعده و نسبت به عقابها وعید داده و در نتیجه کار تلقی دین را عینا





## چند همسری رسول خدا (ص) از هیاهو تا واقعیت



امیرمهد اسفندی

### علت تعدد زوجات حضرت رسول اکرم (ص) چیست؟

این کار موقعیت و جایگاه او که لقب المساکین را داشت، حفظ شد. \* ام سلمه که نامش هند بود و از زنان با فضیلت و متدین به شمار می‌رفت، بعد از وفات شوهرش در سن بالا به همسری پیامبر(ص) درآمد و تا مدت‌ها حتی بعد از رحلت آن حضرت به خاندان ایشان خدمت کرد. \* صفیه، دختر حنی بن اخطب، رئیس قبیله بنی نضیر، که شوهرش در جنگ خیبر کشته شده بود و پدرش نیز با بنی نضیر کشته شد، توسط رسول اکرم(ص) آزاد شد، با حضرت ازدواج کرد و با این کار عزت یافت. \* جویریة، دختر حارث، رئیس قبیله بنی المصطلق بود که بعد از حادثه بنی المصطلق به زوجیت رسول خدا(ص) درآمد و با این اتفاق مسلمین تمام اسرا را به بهانه آن که از اقوام پیامبر(ص) شده‌اند، آزاد کردند و در پی این رویداد تمام افراد قبیله که جمعیت بسیاری داشتند، به پیامبر(ص) رو آورده، مسلمان شدند. \* ام حبیبه دختر ابوسفیان، دشمن و مخالف سرسخت رسول خدا(ص)، بود که به حبشه مهاجرت کرد و در آنجا شوهرش نصرانی شد ولی خود به اسلام وفادار ماند و بعد از مرگ شوهرش، پیامبر(ص) با او ازدواج فرمودند و او را در پناه خود حفظ نمودند. \* حفصه دختر عمر، بعد از کشته شدن شوهرش، خنیس بن حذافه، در جنگ بدر به همسری پیامبر(ص) رسید. \* زینب بنت جحش، دختر عمه رسول خدا(ص) بود که با فرزندخوانده پیامبر(ص) یعنی زید بن حارثه ازدواج کرد ولی از ابتدا از این که با برده‌ای آزاد شده ازدواج نموده، رضایت نداشت. بعد از طلاق، حضرت رسول اکرم(ص) برای تبیین حکم الهی و اصلاح نظر مردم مبنی بر این که فرزندخوانده فرزند نیست و ازدواج فرد با همسر مطلقه فرزند خوانده‌اش حرام نیست و نیز برای تسکین رنج بیوه شدن زینب، با او ازدواج فرمودند.

از جمله مباحثی که در عصر حاضر گه‌گاه مورد توجه قرار می‌گیرد و برخی از سر ناآگاهی و برخی از سر غرض‌ورزی به دنبال قلب واقعیت در اطراف آن مسئله هستند، موضوع تعدد همسران حضرت رسول... (ص) است. اگرچه شاید بتوان درخصوص این مطلب کتابی نگاشت اما بنای نویسنده در اینجا طرح مطلب به شکلی مختصر و حتی المقدور در نهایت ایجاز است. ابتدائاً شایسته و بلکه بایسته است خواننده محترم به چند نکته توجه فرماید: ۱. اولین ازدواج حضرت رسول اکرم(ص) در سن ۲۵ سالگی و در اوج جوانی با حضرت خدیجه(س) که بر طبق نقل عموم تواریخ، از حضرت پیامبر(ص) ۱۵ سال بیشتر سن داشتند، به وقوع پیوست و این زوجیت تا وفات حضرت خدیجه(س) ادامه پیدا کرد. ۲. حضرت رسول اکرم(ص) تا ۵۰ سالگی - یعنی تا زمانی که حضرت خدیجه(س) در قید حیات بودند - هیچ همسر دیگری اختیار نفرمودند. ۳. بازه ۱۰ ساله‌ای که ایشان در آن با چند زن ازدواج کردند، یکی از طاقت‌فرساترین و پررنج‌ترین ایام برای آن حضرت بود که مصادف با هجرت به یثرب (مدینه النبوی) و جنگ‌های سرسختانه با مشرکین مکه به شمار می‌رود. ۴. بر طبق آیه ۵۲ سوره احزاب در اواخر عمر حضرت، ازدواج بر ایشان حرام شد که در این زمان مکه فتح شده، اوضاع تا حدود بسیاری سر و سامان گرفته بود. ۵. برای فهم دقیق و عمیق تاریخ ناچار از توجه به محیط جغرافیایی و تاثیراتی که هر مکان بر اوصاف روانی و جسمانی افراد دارند، هستیم و این مطلبی است که مورد توجه اندیشمندی همچون ابن خلدون و منتسکیو نیز قرار گرفته است. با توجه به نکاتی که بیان شد، اکنون می‌توان به اجمال به شناخت همسران حضرت رسول اکرم(ص) و دلیل ازدواج حضرت با آنان پرداخت. \* سوده دختر زمعه، زن با ایمانی بود که با شوهر خود به حبشه مهاجرت کرده بود ولی همسرش فوت کرد. خانواده او در مکه هنوز کافر بودند و بدون تردید با بازگشت مورد اذیت و آزار و حتی قتل قرار می‌گرفت. پیامبر اکرم(ص) با او ازدواج فرمودند تا از هرگونه آزار و اذیت در امان باشد. \* زینب بنت خزیمه، بعد از آن که شوهرش عبدا... بن جحش در جنگ احد شهید شد، به ازدواج پیامبر اکرم(ص) درآمد و با

حضرت رسول اکرم (ص)  
تا ۵۰ سالگی - یعنی  
تا زمانی که حضرت  
خدیجه (س) در قید حیات  
بودند - هیچ همسر  
دیگری اختیار نکردند.

حضرت علی(ع) درآوردند. اگرچه در اطراف سن عایشه ام‌المؤمنین نیز کسانی چون دنیس اسپیلبرگ، مورخ اسلام شناس آمریکایی تردید کرده‌اند. درباره این مسئله حواشی دیگری نیز وجود دارد که برای جلوگیری از اطناب از طرح مبسوط آنها در این مقام خودداری می‌گردد. (جهت مطالعه بیشتر به جلد اول کتاب بررسی‌های اسلامی از علامه طباطبایی، جلد دوم کتاب نقش عایشه در تاریخ اسلام از علامه عسگری، کتاب تاریخ اسلام از مهدی پیشوایی و کتاب تاریخ اسلام از ابوالفضل عابدینی رجوع بفرمایید.) با توجه به مجموعه مطالبی که گفته شد، می‌توان به راحتی به سستی و پوچی ادعا و جسارت برخی مستشرقین و برخی ناآگاهان و غرض‌ورزان نسبت به مقام والای حضرت رسول اکرم(ص) پی برد. «مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ. وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ. إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (نجم ۲-۴).»

در مجموع روشن شد که ازدواج‌های پیامبر(ص) در آن بازه حدوداً ده ساله در جهت نیل به مقاصدی چون جلوگیری از جنگ و خونریزی، از بین بردن سنت‌های غلط جاهلی و سرپرستی زنان و فرزندان بی‌سرپرست بوده است. تنها مطلبی که می‌ماند در خصوص عایشه بنت ابوبکر است که بر طبق نظرات بسیاری در سن پایین در حالی که باکره بوده است - برخلاف تمامی همسران پیامبر(ص) که نامشان گذشت - به ازدواج حضرت رسول(ص) درآمد. چنان که عنوان شد، در بررسی‌های تاریخی، شرایط جغرافیایی را نیز باید به دقت در نظر داشت. با توجه به این نکته، برای تشریح این مسئله همین مطلب کافی است که بنا بر اکثر اسناد تاریخی، رسول خدا(ص) دختر خود، حضرت زهرا(س) را نیز در سنی حدود ۹ سالگی به ازدواج





## مردی برای تمام فصول



بررسی و تحلیل پیرامون یکی از افراد ممکن الحضور در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰

محمد امین ساغندی

به افراد است- تغییر می کند. اداره کشوری که داعیه تمدن سازی دارد با الگوهایی که خاستگاه آنها تمدن دیگری است، قهراً ما را به سوی وضع همان تمدن سوق می دهد که در بهترین حالت، به معنای چشم پوشی از آرمان هایی چون عدالت و معنویت است و در بدترین حالت حتی مزیت های نسبی همان تمدن را نیز برای ما به ارمغان نمی آورد. از باب مثال اقتصادی که وابسته به معادلات جهانی (بخوانید آمریکا و اروپا) است، در شرایطی که این کشورها دشمنی خود را با اصل نظام جمهوری اسلامی آشکارا اعلام نموده اند، کارآمد نخواهد بود و حتی رفاه مادی را نیز برای ما فراهم نخواهد کرد. از این رو است که نیاز مبرم به تغییر بنیادین ساختارها در عرصه های گوناگون اقتصادی، فرهنگی و ... احساس می شود و این دقیقاً همان بار سنگینی است که تنها افراد مجهز به معرفت عمیق اسلامی توان حمل آن را خواهند داشت و «انقلابیون مدرن مآب» از حمل آن ناتوان اند. قالیباف فردی انقلابی است ولی با عرض پوزش از محضر طرفداران افراطی اش- که احتمالاً با خواندن این متن انواع وصله ها را به نگارنده می چسبانند- در رده انقلابیون مدرن مآب جا می گیرد؛ افرادی که می توان در موردشان چنین گفت که دل در گرو انقلاب دارند ولی فکرشان از سرچشمه دیگری آب می خورد. با نگاهی به کارنامه عملکرد قالیباف و مواضع وی به سادگی می توان به این نکته پی برد. قالیباف زمانی که شهردار است، فرهنگسراها را توسعه می دهد- که ناشی از دغدغه فرهنگی است- ولی متأسفانه با این کار مساجد را از رونق می اندازد! یکی پس از دیگری اتوبان می سازد ولی مشکل ترافیک پایتخت حل نمی شود. از مبارزه با نظام سلطه سخن می گوید ولی در یادداشت خود کنار کشیدن از اف ای تی اف را مجاز نمی داند! و این ها زنگ هشدار است برای کسانی که او را ایده آل ترین گزینه ریاست جمهوری می دانند.



کمتر از هشت ماه به سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری باقی مانده است و کسانی که شامه سیاسی شان اندکی تیز باشد، بوی تبلیغات رنگارنگ نامزدها را کم کم حس می کنند؛ همچنین این نکته را که انتخابات ۱۴۰۰ با دوره های قبل تفاوت جدی دارد. حداقل از این جهت که هشت ماه مانده به آن، هنوز کسی نمی تواند با اطمینان بگوید کاندیدای شاخص جریان انقلابی که خواهد بود؟ گزینه های متعددی از قول رسانه ها مطرح می شوند و چشم ها از یکی به سوی دیگری می چرخد. اما در همان نگاه اول مشخص می شود که هیچ یک از آنها توان رأی آوری در این انتخابات سرنوشت ساز را ندارند. به ویژه که تجربه هشت سال ناکارآمدی دولت فعلی، توقعات را بالا برده است و تصویر عموم افراد از رییس جمهور بعدی، چیزی شبیه به یک منجی است که هم باید خرابی های گذشته را ترمیم کند و هم در طراز گام دوم انقلاب، کشور را با سرعتی بیش از پیش به سوی اهداف متعالی انقلاب حرکت دهد. اما در میان همه گزینه های کمتر شناخته شده، نام آشنایی هم به چشم می خورد؛ مردی که حضورش در رقابت های انتخاباتی برای همه عادی شده ولی هنوز جذابیت های خود را از دست نداده است و حال زمزمه هایی از تصمیم او برای حضور در انتخابات آتی به گوش می رسد. او را با چهره های مختلفی دیده ایم؛ گاه با لباس خلبانی و عینک دودی کنار هواپیما می ایستد و عکس انتخاباتی می اندازد و گاه هم با پیراهن دوجیب و چفیه بر گردن، شعار «جهاد ادامه دارد» می دهد. سوابق اجرایی هم دارد که هر چند با حاشیه هایی همراه است اما به هر حال از مدیریت بعضی مدعیان خوشنام تر است! چنین فردی در نگاه اول می تواند گزینه مناسبی برای جذب آراء مردم باشد؛ آن هم در شرایطی که -فعال- هیچ یک از جریان های سیاسی، آس شگرفی برای رو کردن ندارند. اما بی تردید از نگاه جریان اصیل انقلابی، فقط این که چه کسی رأی می آورد مهم نیست. دغدغه اصلی این است که چه تفکری در چهار یا هشت سال آینده بر کشور حاکم می شود و شیوه اداره کشور چگونه خواهد بود. بگذارید از اینجا به بعد شفاف و بی پرده سخن بگویم. پس از گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی- که شعار آن نه شرقی نه غربی بود- متأسفانه شاهد هستیم که در بسیاری از ارکان مدیریتی کشور رد پای اسلوب های غربی یا شرقی به چشم می خورد که هیچ نسبتی با آرمان های بزرگ ما ندارند. حتی در زمانی که جریان به اصطلاح اصولگرا کرسی دولت و مجلس را در اختیار دارد، باز شاهد هستیم که ساختارهای مدیریتی و الگوهای اقتصادی، فرهنگی و ... با زمانی که قدرت در دست جریان مقابل است تفاوتی نمی کند و صرفاً یکسری از رویکردها -که وابسته

# ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد

علیرضا شفیعی

محمدرضا زراعتیان

به مناسبت فرخنده میلاد حضرت رسول اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع)

همان سال، پیامبران آمدن محمد(ص)، پزندگانی بودند که پیش از موسم حج، رمی شیطان به جا آوردند و ابرهه را ناگزیر از دور شدن از حرم الهی و کعبه محمدی کردند تا همه چیز مهیای درخشیدن ستاره نبوت باشد و انیس و مونس دل‌های رمیده شود. نوری که از میان بتکده‌ها می‌دمید، کفر را می‌شکست و آیین ابراهیم حنیف(ع) را احیا می‌کرد؛ بلکه نه فقط مردم جزیره العرب، که تمامی دل مردگان عالم، زنده شوند و زندگی بخشند. محمد(ص) دوست داشتنی است؛ هرباری که در میان غبار آلودگی زندگی دنیا سردرگم می‌شویم و هیچ جز سراب روزمرگی نمی‌بینیم، هم اوست که دل را آرام می‌کند و به رگ‌های زندگی و مرگ جریان می‌بخشد؛ زندگی و مرگ مسلمان و غیر آن؛ عرب و عجم؛ سیاه و سفید؛ غربی و شرقی؛ که او «رحمة للعالمین» است. محمد(ص) دوست داشتنی است؛ کودکان را در آغوش می‌کشید، بر دوش می‌گذاشت و غرق دریای محبت پدران می‌کرد. محمد(ص) پدر تمام امت بود و هست. دایماً در آغوش امن اویم؛ بی آنکه هیچ از آن بدانیم و احساس کنیم.

کویر، شب‌هایی دارد برای درخشش ستاره‌هایش، که گاه اسرار آسمان را به یک تلمیح، بر خاک تشنه بیابان می‌گسترانند و تاریکی شب را، همه، روشنی روز می‌کنند. کویر و آنچه در خود دارد، کافی است برای تیرگی قرن‌های رفته؛ قرن‌های نیامده و سرگردانی سرزمین‌های دور و نزدیک. کویر بی‌تاب است از قدم نهادن ستاره‌ای بر رمل‌های نرم خود و باخبر است از دل‌های بادیه‌نشین حجازی. کویر از گذشته جدا شده و این بار خوش خبر آمده... سخنان مسیح(ع)، صدها سال بعد از او، از خطوط انجیل بر زبان‌ها جاری می‌شود و آنچه مکرر گفته می‌شود، آمدن منجی است، منجی؛ آن که وعده آمدنش را اهل کتاب، سطر به سطر از بر بودند و ناقوس کلیسا هر بار در گوش عرب و غیر عرب پژواک می‌کرد. این شد که باد سوزان بادیه‌ها، تا میانه ربیع، خبر آمدن او را شهر به شهر با خود برد؛ از حجاز فراتر رفت و بر آتشکده‌ها، دست خاموشی گذاشت؛ که حرارت حقیقی، می‌خواست در هر وجود شعله بکشد. و طاق‌ها را فرو ریخت که همه چیز می‌بایست از نو بنا شود.







تحول عالمی را دارند اما صبرشان بیش از اینها است؛ می‌گذرند و می‌گذارند تا خود مردم به بیابند و بالا روند؛ آخر کریمند. در این میان فرقی نیست سجاد باشند یا باقر یا صادق؛ گویی همه‌شان، یک روح‌اند در چند جسم؛ هر کدام به شیوه‌ای چراغ هدایتند. اما ۱۷ ربیع اختصاص دارد به ششمین اختر، یعنی جعفرین محمد(ع). گویا که همان پیامبر(ص) است لکن به جامه‌ای دیگر و در زمانی دیگر. به صدق، امامی که اسوه دوست و دشمن بود، یار مرده خود را به یک اشاره جان می‌بخشید و کید کایدان را به یک دعا باطل و برای یاورش، هارون مکی، آتش را گلستان می‌کرد؛ امامی که هم جسارت آشکار بنی امیه را دید و هم ستم پنهان بنی عباس را. آری درست است که این کویر در چشم نخست تاریک است اما ستارگانی دارد که هیچ ابر سیاهی توان پوشاندن نور آنها را ندارند؛ همچون نوری که هزاران جوانه را به علم تربیت کرد که آن جوانه‌ها در واقع شهاب‌هایی را می‌ماندند که در سپهر در حرکت و توسعه بودند. این است سیره امامان؛ هر قدم آنها مسیری است که از ابتدا و انتهای آن گرمای برکت احساس می‌شود. اما حیف که هیچ کدامشان روزی معنای واقعی آرامش را نچشیدند؛ از بس که کریم بودند. شاید در قاموس کویر، بخشندگی و کرامت، جایگاهی نداشته باشد.

کرده میلاد تو را با حضرت صادق(ع) قرین تا خدا امشب کند با هم نمایان مهر و ماه.

محمد(ص) دوست داشتنی است؛ هربار و در هر هتک حرمت و اهانت، محبت را به دیگران هبه می‌نمود و قلب‌های تاریک را به یکباره بر می‌انگیخت و جذب خود می‌کرد. و هیچ چیز از آن زمان تغییر نکرده؛ عده‌ای بر هتک حرمت او پا می‌فشارند و دست از بهانه‌تراشی‌های کودکانه نمی‌کشند؛ بی آن که بدانند، ناخواسته تکاپوی جهان را در میل به او دوچندان می‌کنند و عالم را به سوی وحدت عقیده سوق می‌دهند. و این وعده حقی است که روزی ناقوس از حرکت خواهد ایستاد. محمد(ص) دوست داشتنی است؛ یک اشاره او کافی است برای فروریختن بتهای این جهان و یک لبخند او، درمانی است بر تمامی غم‌ها و بیماری‌های عصر ما. همین است که تبسم از لبانش برچیده نمی‌شود؛ در هر لحظه در پی عقده‌گشایی از فرزندانش است. کویر شب‌هایی دارد برای دمیدن ستاره‌هایش. و چه زیباست درخشیدن دو ستاره؛ محمد و صادق آل محمد(ع). اما گویا که این کویر چندان تحمل سرسبزی و طراوت را ندارد. همواره بی‌تاب است تا خشک و بی‌حاصل گردد؛ مانند گذشته. همانگونه که با رحلت رسول(ص) باز هم درگیر همان جهالت‌ها گشت؛ جهلی که سبب می‌شد ظلم و تاریکی بیشتر از عدل و نور به چشم آید. این کویر پستی و بلندی بسیار دارد؛ دیگران و دیگران هم نمایان می‌گردند و از هیچ آسیبی نسبت به اجرام فروزان فروگذار نمی‌کنند. به هر شیوه قصد تربیت و تشویق مردمان را دارند؛ غم دارند و بغضشان در گلویشان است اما صبورند؛ قدرت





جامعه اسلامی دانشکده حقوق  
و علوم سیاسی دانشگاه تهران



آرفاسفا

راه های ارتباطی با ما :



@Lp\_jad\_ut



@jad\_ut



@jad.ut

جهت همکاری در نشریه نیز

می توانید به آیدی زیر پیام دهید:



@Lp\_jad\_ut\_pr



برای عضویت در کانال میتوانید

کد QR را اسکن کنید .

مفصله و عدل است  
که روی بار  
و عدل است

INVESTMENT

SHIA